

در جدول زیر ما فرض میکنیم که کارگر شوروی ۵۰۰ روبل در ماه حقوق میگیرد که این رقم میانگین حقوق همکارمندان و کارگران دولت (که شامل دیوانسالاری هم میشود) است که تا پایان چهارمین برنامه پنجساله اقتصادی در ۱۹۵۰ منظور شده بود و همچنین مبنای محاسبه قیمت ها را از قیمت های ناحیه يك شوروی که پائین ترین قیمت ها در شوروی هستند گرفتیم^{۱۲۶} و برای بریتانیا میانگین دستمزد هفتگی کارگران را که ۵ پوند و ۳ شلینگ و شش پنس است در نظر گرفتیم^{۱۲۷}. مبنای محاسبه قیمت ارقام رسمی منتشره از سوی وزارت بازرگانی است.

میزان اقلای کمیانگین دستمزد هفتگی قادر به خرید آن است.

قلم جنس	واحد	شوروی	بریتانیا
نان گندم (درجه يك)	پوند (۲/۲) پوند برابر با يك كيلو است	۴۱/۷	۴۸۰/۷
نان گندم (۲)	"	۶۳/۳	—
نان گندم سیاه	"	۹۱	—
گوشت	"	۹	۷۹-۱۲۷
کره	"	۴/۱	۷۷/۲
شیر	پاینت (يك پاینت برابر با ۵۷/۰ لیتر است)	۵۷-۸۱	۲۴۷/۲
شکر	پوند (۲/۲) پوند برابر با يك كيلو است	۱۸/۵	۴۱۲
تخم مرغ	عدد	۸۲-۱۱۵	۷۰۶/۳
چای	پوند (۲/۲) پوند برابر با يك كيلو است	۱/۶	۳۶/۴
قهوه	"	۳/۴	۴۱/۲
آبجو	پاینت (يك پاینت برابر با ۵۷/۰ لیتر است)	۱۴/۴	۸۸/۲
سیگار	عدد	۴۶۴	۶۱۸

۲-۴ / ۵	۰ / ۴	جفت	کفش مردانه
۱-۴ / ۵	۰ / ۴	"	کفش زنانه
۱ / ۱-۲ / ۳	۰ / ۶	عدد	کت زنانه نیمه پشمی
۲۵ / ۲۷	۱۶ / ۲	جفت	جوراب کتانی زنانه
۲۳-۲۵	۱ / ۴	یارد (يك يارد برابر است با ۹۱ سانتیمتر)	کریدوشین
۰ / ۶-۱ / ۵	۰ / ۳	عدد	کت و شلوار مردانه نیمه پشمی
۰ / ۲-۰ / ۳	۰ / ۱	عدد	کت و شلوار مردانه پشمی
۹ / ۵	۲ / ۶	جفت	کفش لاستیکی
۳ / ۵-۶	۰ / ۲	عدد	لباس کتانی زنانه
۰ / ۸-۲ / ۱	۰ / ۶	عدد	لباس پشمی زنانه
۸۲۴	۵۷۷	جعبه	کبریت
۱۰۳-۱۵۴	۲۸ / ۸	عدد	شانه سرزنانه
۰ / ۶	۰ / ۱۲	عدد	گرامافون
۰ / ۱۲	۰ / ۲۰	عدد	دستگاه گیرنده رادیو (۵ لامپ)
۰ / ۳-۰ / ۵	۰ / ۱۲	عدد	ساعت مچی

اگر بازدهی کار یک کارگر در صنایع شوروی در حدود $\frac{4}{5}$ يك کارگر در
بریتانیا باشد و در عین حال سطح زندگی او $\frac{1}{4}$ یا $\frac{15}{3}$ کارگر بریتانیایی
باشد، آیا میتوان بجز این نتیجه گرفت که اگر کارگر بریتانیا استثمار میشود، برادر

او در شوروی خیلی بیش از او استثمار می‌گردد؟*

* موقعیت کارگر امروز شوروی در مقایسه با کارگر امروز بریتانیا بدتر از زمان تزار است. اگر ما جدول بالا را با اظهار نظرم داب M. Dobb مقایسه کنیم ثابت می‌شود که: در روسیه تزاری میانگین دستمزد در ۱۹۱۳ در معادن و کارخانه‌ها ماهیانه در حدود ۲۰ تا ۲۵ روبل بود که برابر با حدود ۴۰ تا ۵۰ شلینگ انگلیسی به قدرت خرید آن زمان است. (یعنی در حدود ۱۰ تا ۱۳ شلینگ در هفته) کمترین مبلغ حتی کمتر از نصف سطح دستمزد در بریتانیا در آن زمان است. (م. داب توسعه اقتصادی شوروی از سال ۱۹۱۲ لندن ۱۹۴۸، صفحه ۵۹).

انقلاب اکبر از مالکین بزرگ، کلیسا و سلطنت سلب مالکیت کرد. اما از بورژوازی روستا — یعنی کولاکها (دهقانان ثروتمند) — سلب مالکیت نشد. در دوران سیاست نوین اقتصادی، نه تنها وضع کولاکهای قدیمی بهتر شد بلکه کولاکهای جدیدی هم از میان دهقانان متوسط به آنها پیوستند. کولاکها و تجار به استثمار مردم فقیر روستاها پرداختند و سرمایه داری خصوصی همچنان تا ۱۹۲۸ بر روستاها حکومت کرد.

اشتراکی کردن، این شرایط را بکلی دگرگون ساخت. ما در اینجا در مورد تاثیر اشتراکی کردن بر روی تفاوت طبقاتی در میان کشاورزان بحث نمیکیم بلکه تنها به نکات زیر میپردازیم: چگونه روش اشتراکی بر جمع درآمد دریافت شده توسط بخشهای کشاورزی اقتصاد تاثیر گذاشت؟ مهمترین واقعیتی که در جواب به این سؤال مطرح میشود، نفوذ اشتراکی کردن در کاهش امر کشاورزی بدست دولت است، یعنی نفوذ آن در تحویل های اجباری مالیاتها، پرداخت برای کار انجام شده توسط مراکز تراکتور (MTS) و کارخانه آرد دولتی. تحویل های اجباری همان مالیاتهای جنسی هستند، که علاوه ظاهرا در مقابل قیمت هایی که به کولخوز پرداخته میشد بسیار ناچیز بود. در ۱۹۳۵ قیمت ثابت برای تحویل اجباری جو ۶-۴ کوپک بود، که دولت مجددا آنها را از طریق خرده فروش، کیلو گرمی ۱۰۰-۵۵ کوپک میفروخت. و بدین سان ارقام مشابه برای گندم سیاه ۹/۶-۶/۴ کوپک و ۱۰۰-۶۰ کوپک بودند. قیمت خرده فروشی نشاسته (نامرغوب) ۷۰-۶۰ برابر بهائی بود که گندم خریداری میشد. ۱۲۸۰ بهائی که برای تولیدات دیگر کشاورزی پرداخت میشد نیز، به همین نسبت، بسیار ناچیز بود، و از آن پس تفاوت قیمتها تشدید یافت. هنوز دولت برای هر کیلو گرم گندم تحویلی در حدود ۱۰ کوپک به تولید کنندگان میداد، در حالیکه — از پائیز سال ۱۹۴۶ — از مصرف کننده، ۱۳ روبل برای هر کیلو گرم آرد گندم (احتیالا با خلوص ۸۵ درصد) مطالبه میکند یعنی بیش از ۱۰۰ برابر ۱۲۹۰.

نکته دوم اینکه، دولت بخش عمده ای از تولید را بعنوان پرداخت جنسی، به منظور خدمات مراکز تراکتور دریافت میدارد. و از آنجا که مراکز تراکتور، انحصار

عرضه وسائل کشاورزی را در دست دارند. قادر هستند طرح پیشانی در برابر استفاده از وسائل مطالبه کنند.

جدول زیر نشان دهنده چگونگی توزیع غلات (به درصد) توسط کولخوزها در سال ۱۹۳۸ است. ۱۳۰۰

۱۵	تحويل اجباری
۱۶	پرداخت به مراکز تراکتور
۲	پرداخت قروس
۵/۱	فروش به دولت و در بازار
۱۸/۶	اختصاص دادن به ذخائر بذر
۱۳/۶	اختصاص دادن به ذخائر علوفه
۰/۸	ذخائر به منظور کمک به معلولین و مهدکودک ها
۲۶/۹	توزیع در میان اعضا *
۲/۵	اختصاص دادن به امور متفرقه

بعلاوه بنا به ارقام سال ۱۹۳۸، دولت همچنان سهم عمده ای را بر طبق جدول زیر به خود اختصاص میداد: ۱۳۱

* که شامل پاداش به مقامات اداری نیز میشود. بنا بر مقالهای نوشته
 ۱. تریاوا A. Teriaeva در شماره ۱۲ نشریه "تقویت سازمانهای
 اقتصادی کولخوزهای متحد" Voprosy Ekonomiki در سال
 ۱۹۵۰، پرداخت های مقامات اداری باید رنظر گرفتن وسعت کولخوز، نتیجه گیری
 زیرا در مورد سهم همه ترودون ها Trudodni چنین ادامه دادند:
 کولخوزهای ۲۰۰۰۰ ترودون به بالا ۸ درصد، ۲۰-۳۵ هزار ترودون ۷ درصد،
 ۳۵-۵۵ هزار ترودون ۶ درصد، ۵۵-۷۵ هزار ترودون ۵ درصد،
 ۷۵-۱۰۰ هزار ترودون ۴ درصد و بالاتر از ۱۰۰ هزار ترودون ۳ درصد.

تحويل اجباری	پرداخت جنسی به MTS	جمعاً
تخمه آفتاب گردان	۳۸ / ۷	۵۴ / ۷
چغندر رقتند	۸۲	۹۹ / ۸
کتان آبیاری شده	۸۱	۹۸ / ۵
کتان آبیاری نشده	۹۰ / ۱	۹۵ / ۱
گوشت ۱۹۳۷	۳۰	۳۰
شیر (لبنیات) ۱۹۳۷	۴۴	۴۴
پشم ۱۹۳۷	۵۴ / ۷	۵۴ / ۷

این ارقام را میتوان با سهم ناجیزی که کارگران کولخوز از تولید به اصطلاح مزارع با "مالکیت اشتراکی" خودشان دریافت میکنند مقایسه کرد (۱۹۳۷) ۱۳:۲

غلات	۳۵ / ۹	شیر	۷ / ۶
تخمه آفتاب گردان	۲۷	کره	۲۶ / ۶
تخم بزرک	۳ / ۷	گوشت و چربی	۴۸ / ۸
الیاف یا بوته کتان	۲ / ۶	پشم	۷ / ۷
شاهدانه	۱۵ / ۷	عسل	۳۵ / ۱
کنف بوته شاهدانه	۳ / ۴	تخم مرغ	۲۶ / ۶
سیب زمینی	۴۵ / ۴		

بعلاوه ، همانطور که در ارقام زیر نشان داده شده است ، کارگران کولخوز مجبورند تا هرچه بیشتر وسخت تر در مزارع اشتراکی کار کنند .

میانگین تعداد ترودونی * بر حسب هر خانواده .

سال	تعداد	شاخص
۱۹۳۲	۲۵۲	۱۰۰
۱۹۳۳	۳۱۵	۱۲۲ / ۵
۱۹۳۴	۳۵۴	۱۳۳ / ۴
۱۹۳۵	۳۷۸	۱۴۲ / ۱
۱۹۳۶	۳۹۳	۱۵۲ / ۸
۱۹۳۷	۴۳۸	۱۷۰ / ۷
۱۹۳۸	۴۳۷	۱۷۰

طول مدت روزانه کار در کولخوزها کوتاه تر از مدت روزانه کار در زمان
تزار نیست یعنی ۱۴ ساعت برای کارگران کشاورزی، ۱۱ ساعت برای اسبها و
۱۰ ساعت برای گاوها ۱۳۴۰

در اول اوت ۱۹۴۰، يك حکم دولتی صادر شد که ساعات کار در هنگام
درو در کولخوزها، سوخوزها و مراکز تراکتور را از ۵ یا ۶ صبح تا غروب آفتاب
تعیین می کرد . جزوهای نیز در تشریح کار يك رئیس کولخوز نمونه منتشر شد که
ساعات کار در بهار و در هنگام درو را بجز اوقات غذا ۱۵ ساعت ذکر می کرد . ۱۳۵
نظامنامه ای که هنوز در شوروی مورد استفاده قرار می گیرد نیز ساعات کار زیر
را بعنوان سرمشق و نمونه برای سایرین چنین ذکر میکند :

(الف) " شروع کار برای بذرافشانی در بهار و در هنگام درو کار در ۴ صبح .
۸ تا ۹ صبح زمان استراحت برای صبحانه ، ۱ تا ۳ بعد از ظهر، زمان استراحت
برای نهار و از آن پس، کار تا ۱۰ شب است ۱۳۶۰

(ب) " زمان کار در هنگام درو از ۵ / ۵ صبح تا ۹ شب است . (بدون
استراحت) ۱۳۷۰

* ترودون — در واقع بمعنای روز کار است اما معمولاً بجای واحد مطلق کار در
کولخوزها بکار می رود . يك روز کار کارگر غیر ماهر برابر است با نصف يك ترودون
و يك روز کار کارگر ماهر برابر است با دو و نیم ترودون .

(ب) "برای مهترها که از اسبها نگهداری میکنند کار در زمستان از ۵ صبح تا ۹ شب و گاهی هم تا نیمه شب و در تابستانها از ۳ صبح تا ۱۰ شب است." ۱۳۸۰

(ت) "زفانی که مسئول دوشیدن شیر و تهیه لبنیات هستند، در تمام طول سال از ۴/۵ صبح تا ۸ شب کار میکنند و روزانه ۲ دو زمان یکساعت و نیمه استراحت دارند" ۱۳۹ و در برخی نقاط حتی شرایط آزار ایهم در شرایط است.

(ا) در صحن معیار تعیین شد برای کار این زبان ۳۶۵ روز کار در سال است. ۱۴۰۰

(ث) زمان کار کارگران، مراقبت از خوکها، از ۵ صبح تا ۸ شب است با دو زمان استراحت دو ساعته ۱۴۱۰ جالب است که لنین در کتابش بنام مسئله کشاورزی در شوروی در اواخر قرن نوزدهم (۱۹۰۸) مینویسد:

"دهقانان فاقد اسب و یا آن دسته از دهقانان که فقط دارای یک اسب هستند ((یعنی دهقانان بسیار فقیر)) بترتیب $\frac{1}{7}$ و $\frac{1}{9}$ از درآمد ناخالص خود را بعنوان مالیات میپردازند و بعید است که پرداخت های دهقانان بی زمین و فقیر هم تا این حد زیاد باشد ۱۴۲۰۰۰ هم اکنون نیز مالیاتی که دهقانان زحمتکش در این "کشور سوسیالیستی" میپردازند بسیار بیشتر از اینها است!

اشتراکی کردن نه تنها کسانی را که به صنایع کشاورزی شدند، بلکه همچنین کسانی را نیز که در کشاورزی باقی ماندند تبدیل به پرولتاریا کرد. اکثریت عظیم کشاورزان در حقیقت کسانی هستند که مالک وسائل تولید نیستند و در واقع اگر بتوان دلالی برای اثبات مالکیت وسائل تولید، توسط کشاورزان فقیر بی زمین قرن نوزدهم، ارائه داد برای مالکیت کشاورزان امروز بر وسائل تولید در شوروی دلائل کمتری قابل ارائه است.

اشتراکی کردن بدلیل نیاز به توسعه صنعتی باعث جدائی تولیدات کشاورزی و همچنین جدائی دهقانان از وسائل تولید و تبدیل بخشی از آنان به ذخیره نیروی کار صنعتی و تبدیل بخشی دیگر به نیمه کارگر، نیمه دهقان و نیمه دهقان بی زمین و فقیر در کولخوزها گردید.

بورژوازی انگلیس نیز در قرون ۱۶ و ۱۷ از طریق راندن دهقانان از زمین ها ، بطور کلی با وجود تفاوت های مهم به نتایج مشابهی رسید مارکس چنین روندی را " انباشت اولیه " خواند و چنین نوشت : " تاریخ ایس روند ... در سرگذشت بشر با کلمات خون و آتش نوشته شده است . ۱۴۳۰ در دوران انباشت اولیه ، در شوروی نسبت به بریتانیا خونهای بیشتری ریخته شد . استالین در چند صد روز جنایاتی را که بریتانیا در چند صد سال انجام داد مرتکب شد و میزان این جنایات و موقوفه های بدست آمده از آن چنان بود که آلوده دوش سر ساد رلند Duchess of Sutherland انجام داده بود در مقابل آن هیچ است . این وقایع گواه تلخی است بر برتری اقتصاد صنعتی نوین متعزز شده در دست دولت و تحت مدیریت دیوانسالاری . پیش بینی انگلس در مورد آینده انباشت اولیه ، سرانجام در شوروی تماماً بوقوع پیوست ، البته در شرایطی کاملاً متفاوت با آنچه او در تصور داشت . او در نامه ای به دانیلسون Danielson به تاریخ ۲۴ فوریه ۱۸۹۳ چنین نوشت :

" شرایط در شوروی بعنوان آخرین کشوری که سرمایه داری صنعتی بزرگ آنرا در بر میگیرد و بعلاوه دارای بیشترین جمعیت دهقانی است آن چنان است که باید تحولی را که توسط ایس تغییر اقتصادی ایجاد میکرد از هر جای دیگری بحرانی تر سازد . روند جایگزین شدن يك طبقه بورژوازی مالك زمین بر ... ۵۰۰ / ۰۰۰ (زمین دار) و در حدود ۸۰ میلیون دهقان امکان پذیر نبود ، مگر با رنج

" روند اشتراکی کردن در شوروی ، در يك نکته اساسی با این روند در بریتانیا متفاوت است . زیرا در بریتانیا راندن دهقانان از زمین باعث ایجاد تولید افزونه کشاورزی گردید که در شهر ها بفروش رسید . در حالیکه در شوروی بخش عمده این تولید افزونه بعنوان مالیات توسط دولت ضبط گردید بدون اینکه در عوض آن به دهقانان چیزی داده شود .

و دردهای وحشتناک . اما تاریخ از تمام
 خدایان، بیداد گتر است . زیرا تاریخ
 ماشین پیروزی اش را نه تنها در جنگ
 بلکه در رشد " صلح آمیز " اقتصادی نیز
 بر انبوه اجساد میراند . ۱۴۴۰

مالیات کل فروش

از سال ۱۹۳۰ مالیات کل فروش کمک عمده‌ای در سرمایه‌گذاریها
 و در زمینه دفاع بود . م . داب می نویسد : " همچنانکه انتظار میرود ، بد رستی
 میتوان در سراسر این دهه ، به یک رابطه نزدیک بین منحنی عظیم هزینه
 سرمایه و دفاع و درآمد عظیم حاصل از مالیات کل فروش پی برد . در ۱۹۳۲
 درآمد حاصله از این مالیات درست بیش از ۱۷ میلیارد بود . ارقام ترکیبی
 هزینه، از بودجه دفاع و به منظور اداره اقتصاد ۲۵ میلیارد بود ، در ۱۹۳۴ ،
 این دو رقم به ترتیب ۳۷ و ۳۷ ، در ۱۹۳۸ ، ۸۰ و ۷۵ ، در ۱۹۳۹ ،
 ۹۲ ، ۱۰۰ ، در ۱۹۴۰ ، ۱۰۶ و ۱۱۳ و در ۱۹۴۱ در حدود ۱۲۴ و ۱۴۴
 بودند . (تفاوت بسیار بین دو رقم، در آخرین سال، از راه افزایش مالیات بر
 سود تأمین شد) ۱۴۵۰

مالیات کل فروش تنها و مهمترین منبع درآمد دولت شوروی است .
 مالیات کل فروش بخشهایی از کل درآمد دولت را (بجز وامها) مطابق جدول
 زیر تشکیل میدهد :

۱۹۳۱	۴۶/۲٪	۱۹۳۲	۵۱/۵٪	۱۹۳۳	۵۸/۲٪	۱۹۳۴	۶۴/۳٪
۱۹۳۵	۶۹/۵٪	۱۹۳۶	۶۹/۷٪	۱۹۳۷	۶۹/۴٪	۱۹۳۸	۶۳/۱٪
۱۹۳۹	۶۲/۱٪	۱۹۴۰	۵۸/۷٪	۱۹۴۲	۴۴/۸٪	۱۹۴۴	۳۵/۳٪
۱۹۴۵	۴۰/۸٪	۱۹۴۶	۵۸/۷٪	۱۹۴۷	۶۲/۱٪	۱۹۴۸	۶۰/۶٪
۱۹۴۹	۵۸/۸٪	۱۹۵۰	۵۵/۹٪	۱۹۵۱	۵۷/۸٪	۱۹۵۲	۵۷/۸٪

مالیات کل فروش مشابه با مالیات خرید بریتانیا است که مالیاتی است بر
 روی کالاهای در دست تولید و همچنین بر روی خرید اجناسی از

محصولات کشاورزی روستائیان . این مالیات در بطور کلی
 قیمت کالا است و مصرف کنندگان آنرا بطور کامل میپردازند . این مالیات تنها
 بر تولیدات کشاورزی و صنایع تولید کالاهای مصرفی تحمیل میشود . همچنین
 در حدود ۱۰ درصد از صنایع مختلف در کل تولید و درآمد دولت
 از مالیات کل فروش در ۱۹۳۹ است، مشاهده میشود :

وزارتخانه	درصد کل تولید ناخالص	درصد درآمد حاصل از مالیات کل فروش
صنایع نفت	۳ / ۱	۸
صنایع گوشت و لبنیات	۴ / ۵	۷ / ۳
صنایع غذایی	۱۱ / ۷	۲۹ / ۷
صنایع نساجی	۱۰ / ۲	۱۳
صنایع سیمان	۷ / ۹	۲ / ۶
خرید کشاورزی	۲ / ۵	۳۴ / ۴
وزارتخانه های دیگر (مخصوصا صنایع سنگین)	۶۰ / ۱	۵

از این روی میبینیم که در ۱۹۳۹ ، تقریبا ۱۰ درصد درآمد حاصل از
 مالیات کل فروش ، از تحمیل مالیات بر مواد غذایی و کالاهای مصرفی بدست
 میآید .

از آنجا که مالیات کل فروش به بهای فروش افزوده نمیکرد ، بلکه از بهای
 در قیمت ها گنجانده میشود ، مالیات کل فروش به میزان ۵۰ درصد ، در حقیقت
 بهای کالا را ۱۰۰ درصد افزایش میدهد بدینسان یک مالیات کل فروش
 به میزان ۷۵ درصد ، بهای کالا را ۳۰۰ درصد افزایش میدهد و یک مالیات
 کل فروش به میزان ۹۰ درصد ، باعث افزایش بهای واقعی کالا به دوبرابر
 قیمت اولیه آن میگردد این توضیح برای درک ارقام زیر ، درباره نرخ مالیات
 کل فروش ضروری است : ۱۴۸

کالا نرج / تاریخ وضع مالیات

حبوبات اوکرایس (به
روبل برای هر کنتال -
کنتال معادل ۱۰۰
کیلوگرم است) :

گندم نرم ۷۳

گندم سف ۷۴

گندم سیاه ۶۰ اول آوریل ۱۹۴۰

جز ۴۶

جز دوسر ۲۵

گندم سیاه ۲۸۹ / ۵۰

سبب زمینی (درصد
قیمت خرده فروشی) : ۴۸-۶۲ ۲۴ ژانویه ۱۹۴۰

گوشت (درصد قیمت
خرده فروشی) :

گاو ۶۷-۷۱

گوساله ، خوک ، گوسفند ۶۲-۶۷ ۲۴ ژانویه ۱۹۴۰

مرغ و خروس ۲۰-۴۳

سوسیس ، گوشت دودی شور ۵۰-۶۹

ماهی (درصد قیمت
خرده فروشی) :

ماهی غیر از شاه ماهی ۳۹-۵۳

شاه ماهی بحر خزر ۳۵-۵۰ ۱۰ آوریل ۱۹۴۰

خاویار ۴۰

انواع متفاوت ماهی کنسرو ۵-۵۰

نمک (درصد عمده فروشی) :

نمک بسته بندی نشده ۷۰-۸۰ اول آوریل ۱۹۴۰

نمک بسته بندی شده (کوچک) ۳۵-۴۲

نوشیدنی الکلی (درصد قیمت خرده فروشی) :

ودکا	۸۴	
لیکوره‌های دیگر	۵۵-۷۸	اول ژانویه ۱۹۴۰
نوشیدنی غیر الکلی	۲۰	۱۰ آوریل ۱۹۴۰

توتون (درصد قیمت خرده فروشی) :

سیگار	۷۵-۸۸	اول ژوئن ۱۹۳۷
ماخورکا	۷۰	

کالای پنبه‌ای (درصد قیمت عمده فروشی) :

چلوار	۵۵	
کالا‌های دیگر	۶۲-۶۵	اول ژانویه ۱۹۳۸

ماهیت ارتجاعی این نوع مالیات‌ها در این است که میزان آن برای ماشین (فقط ۲ درصد) ، بر روی دستگاه رادیو (۲۵ درصد) و خاویار (۴۰ درصد) است اما برای گندم (۷۳-۷۴ درصد) ، نمک (۷۰-۸۰ درصد) شکر (۷۳ درصد) ، صابون لباسشویی (۶۱-۷۱ درصد) و سیگار (۷۵-۸۸ درصد) است . با توجه به این حقایق است که اظهارات م . داب در باره مالیات کل فروش بسیار عجیب است زیرا او میگوید : " این وسیله‌ای بود تا سنگینی افزایش قیمت‌ها بر روی اجناس لوکس و وسائل غیر ضروری باشد و افزایش کمی در مورد احتیاجات مردم صورت گیرد . بدینسان که نرخ مالیات بر کل فروش برای کالا‌های متفاوت به نسبت مختلف تعیین میشود و این تفاوت‌ها از یک یا دو درصد و تا تقریباً به ۱۰۰ درصد هم میرسد . " . این مالیات همان تاثیر مالیات رو به افزایش بر هزینه‌های عادی را دارد — یعنی مالیات رو به افزایش بر درآمدی که خرج میشود . ۱۴۹۰ در جای دیگر : " که مالیات بیشتری به اجناس لوکس تعلق میگیرد زیرا که این اجناس بندرت پیدا میشوند از این رو ظاهراً تاثیر کلی روش متفاوت نرخ‌ها، بضرر وسائل غیر ضروری است (و بدین سان در حقیقت تفاوت بین درآمد ها کمتر از تفاوت مقدار پول بنظر میرسد) " : ۱۵

برای ديك واقعی میزان فشار تحمیلی مالیات کل فروش بر مصرف کننده ضروری است تا جمع مقدار مالیات کل فروش و کل فروش خرد و فروشی پس از کسر مالیات را بررسی کنیم: ۱۵۱

نرخ مالیات
به درصد

کل فروش خرد ه فروشی
پس از کسر مالیات

مالیات کل فروش

کل فروش خرد ه فروشی
پیش از کسر مالیات

سال

(کلیه ارقام به میلیون روبل است)

۷۳/۶	۱۵۸۲۲	۱۱۶۴۳	۲۷۴۶۵	۱۹۳۱
۹۳/۶	۲۰۸۴۳	۱۹۵۱۴	۴۰۳۵۷	۱۹۳۲
۱۱۸/۳	۲۲۸۰۶	۲۶۹۸۳	۴۹۷۸۹	۱۹۳۳
۱۵۵/۴	۲۴۲۰۰	۳۷۶۱۵	۶۱۸۱۵	۱۹۳۴
۱۷۵/۳	۲۹۶۸۶	۵۲۰۲۶	۸۱۷۱۲	۱۹۳۵
۱۶۰/۹	۴۰۹۲۰	۶۵۸۴۱	۱۰۶۷۶۱	۱۹۳۶
۱۵۱/۸	۵۰۰۳۲	۷۵۹۱۱	۱۲۵۹۴۳	۱۹۳۷
۱۳۸/۲	۵۸۱۶۳	۸۰۴۱۱	۱۳۸۵۷۴	۱۹۳۸
۱۴۵/۲	۶۶۶۵۶	۹۶۸۰۰	۱۶۳۴۵۶	۱۹۳۹
۱۵۴/۲	۶۸۶۵۱	۱۰۵۸۴۹	۱۷۴۵۰۰	۱۹۴۰
۲۱۲/۹	۸۷۹۰۰	۱۸۷۱۰۰	۲۷۵۰۰۰	۱۹۵۰

(خلیق برنامه) ۱۹۵۰

مالیات کل فروش که مالیاتی غیر مستقیم است، يك مالیات ارتجاعی است و با برنامه اصلی حزب بلشویك تناقض دارد . حتی برنامه حداقل بلشویك ها را که میتوان در نظام - رمایه داری به آن جامه عمل پوشاند - راستار " لغی کلیه مالیات های غیر مستقیم و برقراری افزایش مالیات بر درآمد وارث است " ۱۵۲

یازدهمین کنگره حزب (۱۹۲۲) اعلام کرد : " هدف سیاست مالیات های باید تنظیم روند انباشت منابع مالی از راه مالیات مستقیم بر املاك ، درآمد و غیره باشد . سیاست مالیاتی وسیله اصلی سیاست انقلابی پرولتاریا در دوران انتقال است " ۱۵۳ برای حل تناقض بین گفتار و عمل ، اولیاء امور ، مالیات کل فروش را دیگر مالیات نمی نامند . جزئی Jasnay اشاره کرده است که در سالنامه ۱۹۲۵ ، مالیات کل فروش در فهرست مالیات ها آمده است ، ۱۵۴ اما در چاپ دیگری در همان سال ، مالیات کل فروش " درآمد خاص " از مالیات ها حذف گشته است . ۱۵۵ این تغییر نام به وزیر امور مالی شوروی اجازه داد تا در برابر شورای عالی اعلام دارد : " مشهور است که بخش عمده ای از درآمد بودجه شوروی ، از پرداختهائی که توسط اقتصاد ملی انجام میشود تشکیل میگردد و سهمی که از همه مالیات ها از مردم کسر میشود بسیار ناچیز است . در ۱۹۳۹ ، جمع کل مالیات های بدست آمده از مردم به ۶ / ۵ میلیارد روبل رسید که فقط ۴ / ۲ درصد درآمد بودجه را تشکیل میداد . ۱۵۶

تسلط مالکیت بر انسان

ماده شش قانون اساسی شوروی میگوید : " زمین ، ذخائر آن ، آبها ، جنگلها ، کارگاهها ، کارخانه ها ، معادن ، راه آهن ها ، وسائل نقلیه هوایی ، آبی ، وسائل ارتباطی ، مؤسسات کشاورزی بزرگ دولتی (مزارع دولتی ، مراکز تراکتور و غیره) و همچنین وسائل ضروری خانگی در شهرها و مناطق صنعتی همه در مالکیت دولت هستند که جزء ثروت همه مردم محسوب میشوند " .

* در صفحات بعد ما به بررسی مالیات بر درآمد وارث در شوروی امروز میپردازیم .

و بسیار عجیب است که اگر چه مردم ، از طریق دولت مالك ثروت کشور هستند ، دولت شوروی با تمام قوا از این ثروت در مقابل مردم دفاع میکند ! .

بر طبق قانون ۷ اوت ۱۹۳۲ ، " حمایت از اموال مؤسسات دولتی ، مزارع اشتراکی ، شرکتهای تعاونی و مؤسسات اموال سوسیالیستی " ، هر نوع سرقت از اموال دولتی ، کولخوزها ، شرکت های تعاونی یا راه آهن و راهپه های دریائی ، محکوم به مرگ از طریق تیرباران و ضبط کلیه اموال است . در شرایطی که تحفیف در محکومیت جایز باشد ، محکومیت به مدتی که کمتر از ده سال زندان نباشد و ضبط کلیه اموال کاهش پیدا میکند . ۱۵۷ استالین با این اصطلاح کلاه شرعی این قانون را اختراع کرد : " بنیان گذاری قانونی انقلابی ۱۵۸ از این قانون گاهی در مورد سرقت های عادی نیز استفاده میشد . بدینسان هنگامی که هیئت رئیسه دائمی شورای عالی شوروی در ۴ ژوئن ۱۹۴۷ ، فرمانی صادر کرد ، بعنوان " حمایت از مالکیت خصوصی شهروندان " اولین ماده این فرمان میگوید : ۱۵۹ " سرقت — یعنی دستبرد به مالکیت خصوصی شهروندان — بین ۵ تا ۶ سال کار در اردوگاههای تادیبی کار مجازات دارد . سرقتی که بوسیله عدم ای دزد انجام شود و یا برای دومین بار انجام گیرد ، بین ۶ تا ۱۰ سال کار در اردوگاههای تادیبی کار مجازات دارد " ۱۶۰ و هر گونه تحفیف در این نوع محکومیت ها که مربوط به ارتکاب جنایت در امر مالکیت است بیشتر ظاهری است تا واقعی .

در همان روز هیئت رئیسه دائمی فرمان دیگری صادر کرد مبنی بر " دستبرد به اموال مردم و دولت " که شامل موارد زیر است :

- ۱- سرقت برداشت ، احتلاس و یا هر گونه : دستبرد به اموال دولت محکوم به ۷ تا ۱۰ سال زندان در اردوگاههای تادیبی کار است که گاه با ضبط اموال همراه است .
- ۲- سرقت از املاك دولتی برای دومین بار و یا بوسیله گروهی از دردان و یا هر گونه : سرقت — در سطح وسیع — محکوم به —

۱۰ تا ۲۵ سال زندان در اردوگاههای
تادیبی کار همراه با ضبط اموال است .

۳- سرقت و برداشت ، اختلاس ، یا
هرگونه دستبرد به مزارع اشتراک — یی ،
شرکتهای تعاونی و یا دیگر اموال — مردم
محکوم به ۵ تا ۸ سال زندان در اردوگاههای
تادیبی کار که گاه همراه با ضبط اموال است .

۴- سرقت از مزارع اشتراکی ، شرکتهای
تعاونی ، یا دیگر اموال عمومی برای دومین
بار و یا بوسیله گروهی از زندان و یا در
سطح وسیع محکوم به ۸ تا ۲۰ سال زندان
در اردوگاههای تادیبی کار با ضبط اموال
است . ۱۶۱۰

یکماه پس از این تاریخ ، دفتر
دادستانی ، ۱۰ نمونه از چگونگی اجرای
این فرمان را به اطلاع رسانید :

۱- در شهر ساراتوف Saratov

در ۲۰ ف. یودین V.F.Yudin که پیش از این
نیز محکوم به دزدی شده بود از یک
کارخانه ماهی دودی ، ماهی دزدیده
در ۲۴ ژوئن ۱۹۴۷ . . . یودین به
۲۵ سال زندان در اردوگاههای تادیبی
کار محکوم شد .

۲- در ۱۱ ژوئن ۱۹۴۷ ، یک مکانیک
برق که در خطوط برق راه آهن مسکو —
ریازان Riazan کار میکرد ، بنام د . . .
کیزلف D.A.Kiselov دسب به سرقت
اجناس پوستی از ماشین های راه آهن زد . . .

او در ۲۴ ژوئن ۱۹۴۷ در دادگاه جنگی
 راه آهن مسکو — ریازان به ۱۰ سال زندان
 در اردوگاههای تادیبی کار محکوم گردید .
 ۳- در شهر پاولوف پوساد
 Paulov-Posad در مسکو

ل . ن . مارلکوف L.N. Markelov
 از کارخانه نساجی پاولوف پوساد ، پارچه
 دزدید . او در ۲۰ ژوئن ۱۹۴۷ . . . به
 ۸ سال زندان در اردوگاههای تادیبی
 کار محکوم شد .

۴- ناحیه رود نیکوف Rodnikov منطقه
 ایوانف Ivanov ی . و . اسمیرنوف
 Y.V. Smirnov و . و . اسمیرنوف
 ۳۷۵ پوند جر صحرایی از يك كوله خوز به
 سرقت بردند . آنها در ۲۶ ژوئن —
 ۱۹۴۷ . . . هر دو به ۸ سال زندان
 در اردوگاههای تادیبی کار محکوم شدند .
 ۵- در ناحیه کیروف Kirov مسکو ای . ك .

اسمیرنوف راننده . به جرم دزدیدن ۲۲
 پوند نان از نانوائی دستگیر شد . دادگاه
 مردمی . . . او را به ۷ سال زندان
 در اردوگاههای تادیبی کار محکوم کرد .

۶- در ساراتوف Saratov
 ای . ا . گوردیوف E.I. Gordeyev
 در ۲۱ ژوئن ۱۹۴۷ دست به سرقت —
 اجناس مختلفی از يك انبار کالا زد . او به ۷
 سال زندان در اردوگاههای تادیبی کار محکوم
 شد .

۷- در کیشوف Kuibyshev

ای . . . F.T. Poluboyrov پولوبویاروف

در ۴ ژوئیه کیف پول یک مسافر قطار را دزدید .

او به ۵ سال زندان در اردوگاههای

تادیبی کار محکوم شد .

۸- در ۷ ژوئن ۱۹۴۷ ، در کازان Kazan

در بازار کولخوزو ای . . . بویکی

Bukin پول شهروند دیگری را بنام

Pustinsky دزدید . . . او در ۲۰

ژوئن ۱۹۴۷ . . . به ۸ سال زندان در

اردوگاههای تادیبی کار محکوم شد .

۹- در ۶ ژوئن ۱۹۴۷ ، در دهکده

سوبوگا Subovka در ناحیه

کوتوزوسکی Kutuzovsky

منطقه کیشوف، ای . . . چوبارکی

A.A. Chubarkin و جورج موزوروف

V.G. Morozov

از زیر زمین متعلق به شهروندی بنام

پرنیاکوف Presnyakov ۸۸ پوند

سیمزمینی دزدید . آنها در ۱۷ ژوئن

۱۹۴۷ . . . هر دو به ۵ سال زندان

در اردوگاههای تادیبی کار محکوم شدند .

۱۰- در ۵ ژوئن ۱۹۴۷ ، در مسکو . . .

ک . و . گرین والد K.V. Greenwald

پیش از این نیز محکوم به سرقت شد بود ، از

غیبت همسایه اش استفاده کرد . وارد اطاق

شهروند کووالو Kovalov شد و تعدادی

از وسائل خانه او را ربود . . . گرین والد

به ۱۰ سال زندان در اردوگاههای تادیبی

کار محکوم شد . ۱۶۲۰

بسیار خالص توجه است که شدت اجرای این کوبه قوانین در شوروی با ضعف نسبی قوانین مربوط به جنایاتی مانند قتل، آدم ربائی، و انواع دیگر تخلفات، مغایرت ویژه‌ای دارد و کاملاً بدیهی است که در شوروی استالینیستی ارزش انسانها بسیار کمتر از اموال است.

بدینسان قوانین جزائی شوروی میگوید:

ماده ۱۳۶: اگر کسی مرتکب قتل عمدی

شود: (الف) به قصد پول به قصد حسادت

(اگر مشمول ماده ۱۳۸ نباشد)، یا به

هر انگیزه دیگر، (ب) توسط شخصی مرتکب

شده باشد، که قبلاً محکومیت قتل عمدی داشته

باشد و یا محکوم به وارد کردن ضربه شدید

بدنی به کسی باشد و طبق رای دادگاه

دفاع اجتماعی، مجازات شده باشد، (پ) در

شرایطی که خطر جانی برای عدای بی‌

آورده باشد و یا باعث زجر شدید مقتول شده

باشد (ت) هدف جرم بازگشائی زمینه برای

جنایات عمده بوده باشد (ث) جنایت توسط

شخصی مرتکب شده باشد، که مسئولیت ویژه‌ای

در قبال رفاه شخصی مقتول بعهده داشته

باشد (ج) از وضعیت بی دفاعی قربانی

سوء استفاده کرده باشد — برای مدت حد اکثر

۱۰ سال از او سلب آزادی خواهد شد.

ماده ۱۳۷: اگر قتل عمد در هیچکدام

از شرایط ذکر شده در ماده ۱۳۶ اتفاق

نیافتاده باشد — از مجرم برای مدت حد اکثر

۸ سال سلب آزادی خواهد شد.

ماده ۱۳۸: اگر قتل عمد بدلیلی

انگیزه‌های ناگهانی و تحت شرایط تهییجی

و احساسی و ناشی از خشونت و یا صدمه
از طرف مقتول باشد، مجرم برای مدت حداکثر
۵ سال زندان و یا محکوم به کار اجباری به
مدت حداکثر یکسال میگردد. ۱۶۳۰

بدینسان می‌توان محکومیت‌های دیگری را نیز در مورد جرائم خشونت
آمیز ذکر کرد:

ماده ۱۴۷: سلب آزادی از هر شخصی
بطور غیر قانونی و با بکار بردن زور باعث
سلب آزادی مجرم و محکوم شدن وی به
کار اجباری برای مدت حداکثر یکسال خواهد
شد.

سلب آزادی از اشخاص، با هر روش و به‌خطر
انداختن زندگی و یا سلامت شخص و یا
وارد کردن صدمه بدنی به اشخاص باعث
سلب آزادی مجرم برای مدت حداکثر ۲ سال
خواهد شد.

ماده ۱۴۸: جای دادن شخص سالم در
تیمارستان به قصد اخاذی یا انگیزه‌های
شخصی دیگر باعث سلب آزادی مجرم برای
مدت حداکثر ۳ سال میشود.

ماده ۱۴۹: آدم‌ربانی به منظور معاوضه
کودک یا پول، یا به قصد انتقام و یا به هر
دلیل شخصی دیگر باعث سلب آزادی مجرم
برای مدت حداکثر ۳ سال میشود. ۱۶۴۰

این کیش پرستش مالکیت، کربانگر ضعیف‌ترین اعضاء جامعه — یعنی
کودکان — نیز میگردد. همان‌طور که مشاهده شد، محکومیت در مورد ربودن
اطفال فقط ۳ سال زندان است، در حالیکه محکومیت کودکی که مرتکب سرقت
میشود خیلی بیش از آن است. قوانین استالینیستی در رابطه با جرائم جوانان

کودکان ۱۲ ساله را بالغ و کاملاً مسئول گناهان خود میدانند اما در امور مدنی آنها را کودکان بشمار می‌آورد. برای نمونه قانون ازدواج، خانواده و قیمومیت در شوروی مقرر میدارد که "برای جوانان کمتر از چهارده سال، قیم انتخاب میشود." ۱۶۵ و برای جوانان بین ۱۴ تا ۱۸ سال سرپرست تعیین میگردد. ۱۶۶

در ۲۷ آوریل ۱۹۳۵، قانونی وضع گردید که طبق آن دادگاههای جوانان لغو شد: "با از بین رفتن سریع جنایات در میان جوانان"، کمیته اجرائی مرکزی و شورای مردمی کمیسرهای، فرمانی صادر کردند که: (۱) جوانان پیش از ۱۲ سال که مرتکب سرقت، خشونت، وارد آوردن صدمات و جراحات بدنی، ناقص کردن، قتل و یا سعی در قتل شوند در دادگاه جنائی، بر طبق قوانین جنائی محکوم میشوند. ۱۶۷ (گویا هنوز مجازات اعدام برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال ممنوع بوده و ماده ۲۲ این قانون که حاوی این نکته بود لغو نشده بود.)

این قانون بزودی به مورد اجرا گذاشته شد، ایزوسیتا بعنوان شاهد در ۲۹ مه ۱۹۳۵ نوشت که در بیش از دو هفته، یک دادگاه ویژه چندین سال زندان برای ۶۰ "کودک مجرم" ۱۶۸ در نظر گرفت و در برخی موارد، دست سنگین تر قانون بر فرق کودکان خورد، یعنی محکومیت مرگ برای جوانان. دو هفته پس از تصویب این قانون وحشتناک، دادگاهی در مسکو، جوانی را که در یک قطار دست به سرقت زد، محکوم به مرگ کرد. ۱۶۹

بهانه مقامات رسمی در دفاع از چنین روشهای دهشتناکی، دو برابر شدن تعداد جنایات در میان جوانان بین ۱۹۳۱ و ۱۹۳۴ در مسکو بود. ۱۷۰ گفته‌تها توجیه کننده چنین اعمالی نیست بلکه دوزخ بودن افسانه‌های "پیروزی سرسیالیسم" و "کامیابی و خوشبختی مردم" را ثابت میکند.

در ۱۹۴۰، اجرای قانون سال ۱۹۳۵ را در رابطه با جرائم دیگر، وسعت دادند تا شامل جوانان ۱۲ سال به بالا که مرتکب جرائمی مانند به خطر انداختن رفت و آمد قطارهای راه آهن میشوند نیز بگردد و همچنین جرائم مشابهی مانند خراب کردن ریل راه آهن، گذاردن اشیاء بر روی ریل‌ها و غیره نیز شامل این قانون میشد. قانون ۳۱ مه ۱۹۴۱، ۱۷۱ به وضوح اعلام میدارد که قانون سال ۱۹۳۵، نه تنها در مورد جرائم آگاهانه اجرا

میگردید بلکه شامل مسامحه کاری نیز میشود .

در ۱۵ ژوئن ۱۹۴۳ ، دولت فرمان تاسیس مهاجر نشین های تادیبی ویژه ای را صادر کرد که زیر نظر آن . کا . و . د . NKVD اداره میشد . و بمنظور زندانی کردن کودکان ۱۱ تا ۱۶ سال بود که مساحل قانونی در مورد آنان اجرا نمیشد . و شامل جرایمی مانند ولگردی ، دستبرد و تخلف های کوچک دیگر میشد . ۱۷۲۰ شواهدی نیز در دست است که کودکان نیز در میان بزرگسالان در اردوگاه های اسرا دیده شده اند . دالین **Dallin** مینویسد : " در اردوگاه زاکامنسک **Zakamensk** در سیبری شرقی تعداد زیادی از کودکانی که از مسکو و اطراف آن فرستاده شده اند ، دیده میشوند ، پسران و دخترانی که همه دارای محکومیت های جنائی هستند . آنها در معادن و کارخانه های صنعتی بکار گرفته شده اند . ۱۷۳۰

آنچه که تا بحال گفته شد ، واقعیت مجسم گفته مارکس است که : " قوانین و جنایات ، یعنی مبارزه افراد منزوی در مقابل روابط حاکم منشیای دارد که کاملاً اختیاری نیست . برعکس ریشه جنایات در همان شرایطی است که قدرت حاکم آن زمان در آن ریشه دارد . ۱۷۴۰ در شوروی استالین ، طبیعت جنایات و محکومیت هایی که برای مجرمین تعیین میکنند ، در تسلط مالکیت بر انسان ، تسلط سرمایه بر کار که تضاد اصلی در پیشرفت نظام سرمایه داری دولتی دیوانسالاری است ریشه دارد .

تغییرات در روابط توزیع

لنین در تترهای آوریل میگوید ، سیاست حزب این بود که " پرداخت حقوق مقامات رسمی که انتخابی هستند و هر لحظه ای فرا خوانده میشوند ، نباید بیشتر از دستمزد يك کارگر خوب باشد . ۱۷۵۰ و در دولت انقلاب (اوت — سپتامبر ۱۹۱۷) این سؤال را مطرح کرد که بلافاصله پس از انقلاب سوسیالیستی ، نوع پرداخت حقوق و دستمزد چگونه باشد . در جامعه ای که " . . . از هر لحاظ ، اقتصادی ، اخلاقی و روشنفکری ، هنوز آشمارهای را که از بطن آن بیرون آمد ماست با خرد دارد . ۱۷۶۰ در چنین

شرایطی باید این واقعیت‌ها را در نظر داشت: "برابری برای همه" را در جامعه در رابطه با مالکیت وسائل تولید، یعنی برابری کار و دستمزد ۱۷۷۰۰

همه شهروندان تبدیل به مستخدمین حقوق بگیر دولت که متشکل از کارگران مسلح است، ماند. همه شهروندان تبدیل به کارمندان و کارگران تنها "سندیکای" ملی دولت خواهند شد. و آنچه ضرورت دارد اینست که همه بطور مساوی کار کنند — یعنی هر کس سهم خود را در کار بخوبی انجام دهد و بطور مساوی حقوق بگیرد. ۱۷۸۰۰ کل جامعه باید بصورت يك اداره و يك کارخانه درآید که توأم با کار و دستمزد مساوی باشد. ۱۷۹۰۰ بدینسان لنین مطرح کرد که "هدف فوری" بلشویکها اینست که: "تکنسین‌ها، مدیران، کتابداران و همچنین همه مقامات رسمی بیش از" دستمزد استادکاران" حقوق نگیرند. ۱۸۰۰

چند ماه پس از انقلاب (در مارس ۱۹۱۸) لنین يك بار دیگر پشتیبانی خود را از "تساوی تدریجی" همه دستمزدها و حقوق‌ها در همه مشاغل و گروه‌ها ۱۸۱۰ اعلام کرد، و او ضرورت چند استثناء را در مورد متخصصین پذیرفت، زیرا بخوبی میدانست که با توجه به کمبود متخصصین و خصوصیت آنان نسبت به دولت کارگری، بدون در نظر گرفتن چند مورد استثنائی نمی‌توان به اهداف دست یافت، اما همیشه اصرار می‌ورزید که تفاوت درآمدها باید بدون تردید کمتر از دوران تزار و در آینده گرایش باید بسوی تساوی حقوقها باشد. و هرگز این نابرابری را که بدلیل عقب ماندگی جامعه بود، عقب نشینی دولت شوروی از سوسیالیسم و امتیازی به سرمایه داری نمیدانست. او در این رابطه چنین نوشت: "در این دوران انتقالی ما باید بهترین شرایط زندگی را برای متخصصین فراهم کنیم. . . . هنگامیکه ما درباره میزان پرداختیهـا با کمیسر کار بحث میکردیم، رفیق اسشمیت Schmidt به این احتیاط اشاره کرد که اقدامات ما در راه تساوی حقوق بیش از هر کجای دیگر و بیش از آنست که هر دولت بورژوائی در طول چند سال انجام داده است، بگذاریم میزان پرداخت پیش از جنگ را در نظر بگیریم: يك کارگر ساده روزی يك روبل یعنی ماهی ۲۵ روبل حقوق میگرفت، در حالیکه حقوق يك متخصص ماهیانه ۵۰۰ روبل بود. . . . و خبرگان ۲۰ برابر کارگران حقوق دریافت

نیکرودند. در حالیکه میزان کنونی تفاوت ما بین ۶۰۰ تا ۳۰۰۰ روبل یعنی تفاوت دستمزد ۵ برابر است که قدم بزرگی در راه تساوی حقوق بشمار میرود. ۱۸۲۰ پرداخت بیشتر به متخصصین "پرداخت به نسبت روابط بورژوازی"، "یک قدم به عقب" و دادن "امتياز" به سرمایه داری، واقعیتی بود که به دولت شوروی تحمیل شد. ۱۸۳۰

در ۱۹۱۹، حزب کمونیست شوروی، سیاست دستمزدی خود را چنین توصیف کرد: "در حالیکه برابری حقوق برای هر نوع کار و تکمیل کمونیسم آرزوی ماست، اما اکنون دولت شوروی قادر نیست تا به این هدف بیدرنگ جامعه عمل ببوشاند. زیرا در حال حاضر اولین قدم ها را در راه انتقال از سرمایه داری به کمونیسم بر میدارد. ۱۸۴۰ دهمین کنگره حزب در ۱۹۲۱ تصمیم گرفت که "در حالیکه به دلایل مختلف مجبوریم، بوقتاً اختلاف دستمزدها را برای رسیدن به هدف تساوی دستمزدها برگزینیم، سیاست میزان دستمزد باید بر پایه تساوی کامل باشد. ۱۸۵۰

در همان کنگره ضرورت "کوشش کامل در جهت محروم کردن تساوی شرایط زندگی، دستمزدها و غیره بین متخصصین و کارگران متعهد از یکسو و توده ها و زحمتکش از سوی دیگر یادآوری گردید. زیرا این عدم تساوی باعث زیر پا گذاشتن دموکراسی و منشاء انحراف حزب و کاهش قدرت کمونیست ها میشود. ۱۸۶۰ در حالیکه در رژیم کمونیسم جنگی عملاً تساوی کامل دستمزدها و حقوق وجود داشت. بنا بر اطلاعات استرومیلین Strumilin آمارگیر شوروی، در ۱۹۱۷، دستمزد کارگرانی که بالاترین حقوق ها را دریافت میکردند ۲/۳۲ برابر کارگرانی بود که کمترین حقوق ها را میگرفتند. اما در نیمه اول ۱۹۲۱ این تفاوت تنها ۱/۰۲ برابر بود یعنی عملاً دستمزدها مساوی شد. ۱۸۷ (اما از سری دیگر، شرایط کمبود که در دوران کمونیسم جنگی غالب شده بود، کرارا به مقامات رسمی این فرصت را داد تا از کنترل ذخائر و توزیع آن سوء استفاده کنند).

تساوی واقعی دستمزدها با آغاز سیاست نوین اقتصادی پایان یافت. در ۱۹۲۱-۲۲، یک معیار هگنون برای دستمزدها معرفی شد که شامل ۱۲ پایه حقوقی متفاوت بود که از کارآموزی شروع میشد و تا بالاترین تخصص ها

میرسید و بر طبق آن کارگران ماهر ۳ برابر و نیم بیش از کارگران ساده و حقوق دریافت میکردند. متخصصین میتوانند تا ۸ برابر کارگران ساده حقوق بگیرند (البته این شامل اعضای حزب نبود و آنان معیار مخصوصی برای حد اکثر حقوق داشتند که از حقوق متخصصینی که عضو حزب نبودند، بسیار کمتر بود).

تفاوت درآمدها بسیار کمتر از زمان پیش از انقلاب بود. مقایسه دستمزدها و حقوق کارمندان راه آهن پیش و پس از انقلاب شاهد این واقعیت است. در ۱۹۰۲ دستمزد دیده بان ها ماهیانه بین ۲۰-۱۰ روبل و مکانیک ها ۶۰-۳۱ روبل بود. در حالیکه رئیس خدمات راه آهن ماهیانه بین ۷۵۰-۵۰۰ روبل و مدیر کل بین ۱۵۰۰-۱۰۰۰ روبل حقوق میگرفتند. ۱۸۸۰ در مارس ۱۹۲۴، تفاوت دستمزدها چنان بود که کارگران راه آهن ماهیانه ۱۳/۲۷ روبل طلا و کارمندان اداری ۲۶/۸۰ روبل حقوق دریافت میکردند. ۱۸۹۰

در مارس ۱۹۲۶، بیانگین دستمزد کارگران در صنایع ۵۸/۶۴ شروفت Chervonets روبل بود و مدیر کارخانه اگر عضو حزب بود ۱۸۷/۹۰ شروفت روبل و در صورتیکه عضو حزب نبود ۳۰۹/۵۰ شروفت روبل. حقوق دریافت میکرد ۱۹۰۰.

تا آغاز اولین برنامه پنجساله اقتصادی، عواملی وجود داشت که این تفاوت دستمزدها را تخفیف میداد. برای نمونه، هیچیک از اعضای حزب کمونیست حق نداشتند بیش از یک کارگر ماهر حقوق بگیرند. این مقررات بسیار مهم بودند زیرا بیشتر مدیران کارخانه ها، بخش های مختلف صنایع و غیره اعضای حزب بودند. در ۱۹۲۸، ۷۱/۴ درصد از کارمندان هیئت مدیره تراست ها، ۸۴/۴ درصد هیئت رئیسه سندیکاها و ۸۹/۳ درصد از هیئت مدیره کارخانه های مختلف اعضای حزب بودند.

عامل مهم دیگر که تفاوت دستمزدها را از آنچه که در معیار همگون سازی دستمزدها بنظر میرسید کمتر میساخت این بود که تعداد کل متخصصین (که بخشی از آنان عضو حزب بودند و بیش از کارگران ماهر حقوق دریافت نمیکردند) بسیار کم بود. در ۱۹۲۸ آنها تنها ۲/۲۷ درصد کل کسانی را که در صنایع

کار میکردند تشکیل میداد *

کتاب آمار شوروی در ۱۹۲۶ (به زبان روسی) ، يك تصويرکلی از تفاوت درآمد ها در شوروی بدست داد ماست ، که بنا بر این آمار ، میانگین درآمد سالیانه کارگران پدی در سالهای پیش از جنگ ۲۷-۱۹۲۶ ، ۴۶۵ روبل و در همین هنگام ، حداکثر حقوق متخصصین ۱۸۱۱ روبل بود ، چنانچه بورژوازی ، کارمندان سیاست نوین اقتصادی و کولاک ها ، تنها ۱۱۴۰۰۰ نفر بودند که از این حداکثر حقوق استفاده میکردند ، که ۳/۰ درصد همه حقوق بگیران را تشکیل میدادند و درآمد آنان يك درصد درآمد ملی را تشکیل میداد ۱۹۱۰

با آغاز برنامه پنجساله اقتصادی ، تحت عنوان " سوسیالیسم پیروز " تمام سنن بلشویکی و مکتب برابری انسانها بدور ریخته شد ، استالین حمله را شروع و اعلام کرد : " *Uravnilovka* " (اصطلاح توهین آمیز به مکتب برابری انسانها) در اصل يك نظریه دهقانی است : روانشناسی تقسیم مساوی کالا ، روانشناسی کمونیسم دهقانی ابتدائی است ، *Uravnilovka* ، و هیچ ارتباطی با سوسیالیسم مارکسیسم ندارد ۱۹۲۰ و اکنون وای بر آن کسی که ، هر چه قدر هم مهم باشد ، جرات کند با تفاوت درآمد ها در شوروی مخالفت ورزد . مولوتوف *Molotov* در هفتمین کنگره شوراهای شوروی تا آنجا پیش رفت که اعلام کرد : " سیاست بلشویکی خواستار يك مبارزه مصممانه برضت " مکتب برابری انسانها " است ، زیرا این مکتب ، شريك جرم دشمن طبقات و نشانه های خستیمت با سوسیالیسم است ۱۹۳۰

در ۱۹۲۹ ، قانون محدود کردن درآمد اعضای حزب تعدیل شد * و مدتی پس از آن بکلی لغو گردید ، قانونی که داشتن دو شغل را — که اکثر متخصصین دارند — آنها در صورتی مجاز میدانست که يك برابر و نیم حداکثر حقوق را دریافت دارند لغو گردید ، " قانون عمومی حقوقها " ۱۷ ژوئن ۱۹۲۰-۱۹۴۰ که دریافت بیش از صد درصد نرخ متوسط دستمزد را برای

* این قانون چنان مخفیانه لغو شد ، که هیچکس متوجه زمان لغو آن نگردید ، اما از اخبار مطبوعات شوروی کاملاً بدیهی بود که چنین قانونی در ۱۹۳۴ دیگر وجود نداشت

کسانی که از میزان قطعه کاری تعیین شده بیشتر کار میکردند مجاز نمیدانست، نیز لغز شد. به علاوه قانونی که پرداخت کمتر از $\frac{1}{3}$ میزان تعیین شده را برای کارگرانی که قطعه کاری میکردند ممنوع ساخته بود نیز منسوخ گردید. ۱۹۵۰ از این پس دیگر هیچگونه محدودیتی برای نا برابری درآمدها باقی نماند و تفاوت حقوق ها بطرز خطرناکی افزایش یافت.

پس از ۱۹۳۴، آمارگران شوروی، ارقام مربوط به تقسیم کارگران و کارمندان بر پایه حقوق را دیگر انتشار ندادند و تنها میانگین درآمد همه کارگران و کارمندان را منتشر کردند. رقمی که شامل میانگین درآمد مستخدمین، کارگران ساده، کارگران ماهر، متخصصین، سرمهندسین، مدیران و غیره بود.^{*} با وجود فقدان اطلاعات، میتوان به چند واقعیت پی برد، بویژه هنگامیکه دیوان سالاران افزایش حقوق فراوانی دریافت کردند اما در همان هنگام سطح حقوق طبقه کارگر به شدت کاهش یافت.

برای نمونه، در ۱۹۳۷ هنگامیکه مهندسین کارخانه ها ماهی ۱۵۰۰ روبل و مدیران ۲۰۰۰ روبل حقوق میگرفتند — بجز در مواردیکه دولت اجازه مخصوص در مورد افزایش حقوق آنان صادر میکرد — از حقوق کارگران ماهر بیست — ۳۰۰ — ۲۰۰ روبل بود، دولت شوروی حد اقل حقوقی به مبلغ ۱۱۰ روبل — در ماه برای کارگرانی که قطعه کاری میکردند و ۱۱۵ روبل برای کارگرانی که ساعتی یا روزانه کار میکردند تعیین کرد. از آنجا که بسیاری از کارگران همان حد اقل حقوق را دریافت میکردند، این قانون تثبیت حد اقل حقوق باعث بوجود آمدن ۶۰۰ میلیون روبل بودجه برای سال ۱۹۳۸ شد. ۱۹۶۰ البته ۲۰۰۰ دلار در ماه در مقایسه با چنین حد اقل حقوقی، بسیار بالا بود. مدیران و مهندسین کارخانه ها، علاوه بر حقوق ثابت خود مزایا نیز دریافت میکردند و مقدار این مزایا بستگی به آن داشت که کارخانه تا چه حد میتواند تولیدش را از میزان تعیین شده، برنامه اقتصادی افزایش دهد. برای نمونه در ۱۹۴۸، گزارش داده شد که میزان مزایای پرداخت شده به مدیران

* جالب توجه است که يك کتاب آمار اقتصادی شوروی، از آمار آمریکا انتقاد میکند که با بکار بردن چنین روشی، یعنی افزودن حقوق مدیران شرکت ها به دستمزد و حقوق های دیگر باعث بالا رفتن میانگین حقوق و دستمزد ها میشود، یعنی يك بام و دو هوا (کتاب فرهنگ و لغات آمار اجتماعی - اقتصادی (زبان روسی) مسکو ۱۹۴۸ صفحه ۱۲)

کارخانه تولید وسائل نقلیه خود رو بمنظور تکمیل و افزایش تولید از معیار تعیین شده در برنامه اقتصادی بدینسان بود : ۱۹۷

مزایا و درصد حقوق اصلی

برای هر درصد از افزایش تولید بیش از معیار تعیین شده برنامه	برای تکمیل برنامه	
تا ۴٪	تا ۳۰٪	مدیران عالی رتبه (مدیران و سرمهندسين)
تا ۳٪	تا ۲۵٪	مدیران میان رتبه (روسای قسستها)
تا ۳٪	تا ۲۰٪	مدیران ساده (روسای بخشهای مختلف و غیره)

بدینسان يك مدیر کارخانه که برنامه اقتصادی را تنها با ۱۰٪ بیش از معیار تعیین شده تکمیل میکرد مزایائی برابر با ۷۰ درصد اصل حقوقش دریافت میداشت و بهمین ترتیب با ۲۰٪ تولید اضافی برابر با ۱۱۰ درصد از اصل حقوق و با ۳۰٪ تولید اضافی برابر با ۱۵۰ درصد از اصل حقوق و با ۵۰٪ تولید اضافی برابر با ۲۳۰ درصد از اصل حقوق خود، مزایا دریافت میکرد.

يك منبع دیگر درآمد، "صندوق مدیران" نام دارد و چنین موسسه ای در ۱۹ آوریل ۱۹۳۶ تاسیس گردید. ۱۹۸۰

بنا بر قوانین موجود، ۴ درصد سود برنامه ریزی شده و ۵۰ درصد کلیه سودهای بالاتر از آن باید به "صندوق مدیران" ریخته شود. يك اقتصاد دان شوروی، ارقامی برای ۱۹۳۷ داده است که نشان دهنده مبالغ بدست آمده از این طریق است : ۱۹۹

تحقیق برنامه به درصد	هزینه واقعی بعنوان درصد هزینه برنامه ریزی شده	وجه صندوق مدیران به میلیون روبل	وجه صندوق مدیران در ازای هر کارگر (روبل)
صنایع نفت ۱۰۴/۱	۱۰۳/۸	۲۱/۷	۳۴۴/۹۲
صنایع گوشت ۱۱۸/۶	۱۰۴/۱	۵۱/۹	۷۵۲/۶۹
صنایع نوشابه ۱۰۸/۸	۱۰۳	۸۶	۱۱۷۵
الکلی			

از آنجا که میانگین حقوق کارگران و کارمندان در ۱۹۳۷ تنها ۲۵۴ روبل در ماه بود، این ارقام نشان میدهند که سالیانه "صندوق مدیران" از طریق چند درصد تولید بیش از میزان تعیین شده در برنامه، در ازای هر کارگر، مبلغی بیش از میانگین یک حقوق ماهیانه در صنایع نفت، بیش از میانگین سه حقوق ماهیانه در صنایع گوشت و بیش از میانگین چهارونیم حقوق ماهیانه در صنایع نوشابه های الکلی را بخرد اختصاص میدهد. بنا به گفته اقتصاددان دیگری: "در پنج وزارتخانه صنعتی، وجه دریافتی "صندوق مدیران" در ازای هر کارگر به ۶/۳ درصد میانگین حقوق سالیانه رسید. این درصد در وزارتخانه های دیگر به بیش از این رقم هم رسید، به برای نمونه در صنایع چوب این رقم به ۲۱/۵ درصد، در صنایع کفش، چرم و پوست به در حدود ۲۵ درصد و در صنایع غذایی، ماکارونی و نوشابه های الکلی به ۵۵ درصد رسید. بدینسان کاملاً بدیهی است که مدیران و صنایعی که هزاران کارگر در استخدام خود داشتند مبالغ هنگفتی بدست آورند.

ظاهراً هدف "صندوق مدیران" ساختن خانه، باشگاه، غذاخوری، مهد کودک و کودکان برای کارگران و کارمندان و دادن مزایا به کارگران در عوض کار بر جسته و غیره بود.

البته هیچگونه آماری در مورد چگونگی توزیع وجوه "صندوق مدیران" در دست نیست، تنها روزنامه *Za Industrializatsya* در ۲۹ آوریل ۱۹۳۷ ارقامی در مورد توزیع وجوه "صندوق مدیران" در کارخانه

از ۶۰ / ۰۰۰ روبل جمع آوری شده در
 صندوق مدیران * مدیر ۲۲۰۰۰ روبل
 آنرا بخود اختصاص داد ۱۰۰۰۰۰ روبل
 بهمنشی کمیته حزب ۸۰۰۰ روبل به رئیس
 تسلیت تولید ۶۰۰۰ روبل به رئیس
 حسابداری ۴۰۰۰ روبل به رئیس کمیته
 اتحادیه کارگری و ۵۰۰۰ روبل به رئیس
 کارگاه تعلق گرفت است ۲۰۲۰

بخش های دیگر طبقات ممتاز همچنان از درآمدهای استثنائی بسیار
 زیاد دیگری نیز برخوردارند . الکسی تولستوی A.Tolstoy نویسنده و
 ویشینویسکی V.Vishnevsky نمایش نامه نویس نامه ای به پراودا نوشتند که
 مددشان رفع سزای تفاهم در باره حقوق استثنائی نویسندگان بعنوان حق التالیف
 های خارق العاده بود ۲۰۳۰ و ارقام زیر را بعنوان حقوق نویسندگان ارائه
 دادند :

تعداد افراد	حقوق ماهیانه در ۱۹۳۶
۱۴	بیش از ۱۰۰۰۰ روبل
۱۱	۶۰۰۰ - ۱۰۰۰۰ روبل
۳۹	۲۰۰۰ - ۵۰۰۰ روبل
۱۱۴	۱۰۰۰ - ۲۰۰۰ روبل
۱۳۷	۵۰۰ - ۱۰۰۰ روبل
۴۰۰۰	تا ۵۰۰ روبل در حدود

هنگامیکه بخاطر میآوریم که در همین سال یعنی ۱۹۳۶ میانگین حقوق
 همه کارگران و کارمندان شروری سالیانه ۲۷۷۶ روبل یا ماهیانه ۲۳۱ روبل
 بود ۲۰۴ دیگر نیازی به هیچگونه توضیح نیست .

امروزه مقامات دولتی که بنا به گفته لنین نباید بیش از میانگین دستمزد

کارگران ماهر حقوق می‌گرفتند، حقوقشان تفاوت بسیار فاحشی با دستمزد کارگران دارد. بنا به تصمیم شورای عالی شوروی در ۱۷ ژانویه ۱۹۲۸، رئیس‌ان شورای اتحادیه و شورای ملیتها و معاونین آنها سالیانه حقوقی معادل ۳۰۰۰۰۰ روبل دریافت می‌داشتند و معاونین شورای عالی هر يك سالیانه ۱۲۰۰۰۰ روبل باضافه روزانه ۱۵۰ روبل برای حضور در هر جلسه دریافت میکردند. ۲۰۵ حقوق رئیس شورای عالی جواهر فد راتیو سوسیالیستی شوروی و معاونین او سالیانه ۱۵۰۰۰۰ روبل بود. ۲۰۶ و بدیهی است که روسا و معاونین جمهوری های فد راتیو نیز حقوق های مشابهی دریافت میکردند. يك سرباز ارتش شوروی در زمان جنگ ماهیانه ۱۰۰۰ روبل، يك ستوان ۱۰۰۰ روبل و يك سرهنگ ۲۴۰۰ روبل حقوق میگرفت. در ارتش آمریکا که با هیچگونه برداشتی نمیتوان آنرا سوسیالیستی نامید حقوق يك سرباز ۵۰ دلار، ستوان ۱۵۰ دلار و سرهنگ ۳۳۳ دلار در مابود. ۲۰۷

دیوان سالاری، باز هم از امتیازات دولتی دیگری بعنوان منابع مختلف درآمد برخوردار هستند. حکم اصلی برقراری جوائز استالین به افتخار شصتمین سال تولد او، حداکثر ارزش هر يك از جوائز را ۱۰۰۰۰۰۰ روبل تعیین کرد. ۲۰۸ اما از آن پس این مبلغ حداکثر به ۳۰۰۰۰۰۰ روبل افزایش یافت. در هر ساله در حدود هزار نفر از جوائز استالین بهره مند میشوند که هر کدام مبلغی بین ۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ روبل دریافت می‌داشتند که از مالیات معاف بود.

یکی دیگر از نشانه های تفاوت های فاحش بین حقوق ها در شوروی، نرخ های مالیات بر درآمد است. نرخ های مالیات بر درآمد مصوبه ۲۴ آوریل ۱۹۴۰، شامل لیستی از حقوق های کمتر از ۱۸۰۰ روبل تا ۳۰۰۰۰۰ روبل در سال بود. ۲۰۹

يك مقام برجسته دولتی، يك مدیر یا يك نویسنده موفق، دارای خانهای در مسکو، خانه تابستانی دیگری در کریمه **Crimea**، يك یا دو ماشین و تعدادی خدمتکار و غیره است.

حتی در زمان جنگ، هنگامیکه در شرایط غیر منتظره، تمام کوششها، صرف بدست آوردن حداکثر تولید از کارگران میشد، تفاوت های فاحشی در شرایط

زندگی طبقات مختلف وجود داشت . خدمتکاری با دو کودک ده ساله و سه ساله در ۱۹۴۲ به الکساندر ورث **Alexander Werth** گفت : " در واقع کودکان من بانان و جای زند هستند . برای کودک کم سال تر شیر خشک میدهند — چه میتوان کرد ؟ — غذای ما از يك سریای بی مزه و کم قوت تشکیل شده . من این ماه با گوین گوشتم توانستم تنها کمی ماهی بگیرم و گاهی هم از باقیمانده سبزیستان بر میدارم و همین . " ۲۱۰

در همین هنگام الکساندر ورث در خاطرات خود می نویسد : " امروز نهارد در ناسیونال **National** ، بسیار مجلل و عالی بود ، با وجود کمبود غذا در مسکو ، بنظر میرسد که هرگاه دلیلی برای مهمانی های مجلل با شخصیت های رسمی وجود داشته باشد همیشه از بهترین غذا های ممکن به اندازه کافی ، برای مهمان ها فراهم است . از **Zakuzki** با بهترین خاویار تازه ، مقدار زیادی کره ، ماهی آزاد دودی ، ماهی استرژن و پس از آن کتلت مرغ **a la Marchal** و بدنبال آن با قهوه و یخ بسیار کنیاک و لیکور پذیرائی شد و میز غذا با شیشه های مختلف مشروب آراست شده بود . " ۲۱۱

تفاوت فاحش بین طبقه ممتاز و فقیر در جامعه شوروی ، به بهترین وجهی در زمان جنگ که روش حیره بندی بکار میرفت ، نمایان بود . در شوروی روش حیره بندی ویزمای معرفی شد ، که هیچ کشور دموکراتیک سرمایه داری غربی جرأت بکار بردن آنها ندارد و آنقدر این روش برای خود مردم شوروی تکان دهنده بود که پراودا و ایزوسیتا اشارهای هم به آن نکردند و این روش حیره بندی بطور کلی در يك حجاب مرموز باقی ماند . " ۲۱۲

یعنی اجناس لوکس طبقه ممتاز و مرفه به نسبت ارزانتر از احتیاجات زندگی تقرا بود و اگر برخی ارقام مربوط به نرخ مالیات کل فروش را در اینجا تکرار کنیم ، این واقعیت بخوبی مشاهده میشود : ۲۱۳

گندم	۷۳ — ۷۴ %
نمک سنگ	۷۰ — ۸۰ %
گوشت گاو	۶۷ — ۷۱ %
خاویار	۴۰ %
دستگاه رادیو	۲۵ %
اتومبیل	۲ %

در نتیجه : در اواسط ۱۹۴۸ قیمت يك ماشین مسكويچ () به بهای ۱۰۰۰ روبل () برابر بود با ۳۱۰ پوند كره () به بهای هر پوند ۶۶-۶۲ روبل () در حالیکه در آمریکا ، قیمت اتومبیل بهتر از مسكويچ برابر بود با ۱۷۵۰ پوند كره ۲۱۴۰.

تفاوت درآمدها منجر به تفاوت های فراوان در اموال موروثی گشت . در دوران اولیما انقلاب ، بنا به فرمان ۲۷ آوریل ۱۹۱۸ ، کلیه ارثیه های بیش از ۱۰۰۰۰ روبل مصادره گردید ۲۱۵ و این از مانیفست کمونیست سرچشمه

میگرفت ، زیرا یکی از خواسته های انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم ، لغز کلیه حقوق ارثی است . پس از چند سال این قانون بکلی تخییر پیدا کرد و در سال ۱۹۲۹ جدولی برای مالیات بر ارث تهیه شد ، بود که شامل میزان مالیات برای ۱۰۰۰ روبل و کمتر از آن تا ۵۰۰۰۰۰ روبل و بیشتر از آن بود ۲۱۶ . در حال حاضر مالیات بر ارث از ۱۰ درصد تجاوز نمیکند . این در مقایسه با مالیات بر ارث در بریتانیا و آمریکای سرمایه داری بسیار کم است .

در هنگام جنگ دوم جهانی ، مطبوعات شوروی گزارشهای متعددی در مورد افرادی که وامهای میلیون روبلی و یا بیشتر از آن به دولت داده بودند ، منتشر ساختند . " دوستان اتحاد شوروی " در این باره مینویسد : " در اتحاد شوروی ، میلیونرها اندوخته خود را با زحمت خود و با خدمت به دولت مردم شوروی بدست آورد مانند ۲۱۲۰۰ .

اگر ما چنین گفته ای را بررسی کنیم ، می بینیم که در ۱۹۴۰ ، هنوز میانکین درآمد کارگران و کارمندان تنها ۴۰۰۰ روبل بود است ، جمع آوری يك میلیون روبل برای يك کارگر متوسط ۲۵۰ سال بطول می انجامید است — آنهم

در صورتیکه هرگز از این پول خرج نکند. میلیونر شوروی، تنها از هر میلیون روبل خود ۵۰۰۰۰ روبل بهره میگیرد که خود چندین برابر بیش از حقوق يك کارگر است.

بهترین تصویر تضادهای اجتماعی شوروی را در بین طبقه ممتاز و فقیـر میتوان در طرح بازنشستگی دولت دید. اگر يك سرباز ارتش که پیش از فراخوانی به ارتش، کارگر و یا کارمند بوده است فوت کند، خانواده او در ماه بین ۵۲/۵ تا ۲۴۰ روبل دریافت میکند. اگر او کارمند یا کارگر نبوده باشد، خانواده او ۴۰، ۷۰ و یا ۹۰ روبل میگیرد که بستگی به تعداد افراد تحت سرپرستی او که يك، دو و یا سه نفر بوده و قادر به کار کردن هم نباشد، دارد. مردم روستاها تنها ۸۰ درصد این میزان را دریافت می کنند برعکس، خانواده های سرهنگ های فوت شده، هر ماه ۱۹۲۰ روبل میگیرند. ۲۱۸

خانواده کارگری که در اثر تصادف در محل کار کشته شود، حداکثر ۲۰۰۰ روبل در ماه دریافت میدارد (بجز در برخی موارد استثنائی که ۳۰۰۰ روبل میگیرد). ۲۱۹ در حالیکه برخی افراد ممتاز، مبالغ هنگفتی بدلیل مرگ سرپرست خانواده دریافت میکنند. هنگامیکه م. ف. ولادیمیرسکی M.F. Vladimirovsky معاون شورای عالی فوت کرد، بیوه او مبلغ ۵۰۰۰۰ روبل به اضافه ماهی ۲۰۰۰ روبل بازنشستگی برای تمام مدت عمر دریافت کرد، در حالیکه خواهر او برای مرگ شوهرش تنها ماهی ۷۵۰ روبل برای تمام مدت عمر گرفت. ۲۲۰ هنگامیکه ژنرال - سرهنگ ر. ا. یونسکوویچ V.A. Yuskovich فوت کرد، بیوه او مبلغ ۵۰۰۰۰ روبل با اضافه ماهیانه ۲۰۰۰ روبل برای تمام عمر دریافت کرد. ۲۲۱ در مطبوعات شوروی از این نمونه ها بسیار وجود دارد. همچنین دلیل دیگر، بر وجود روابط متضاد بین توزیع کالا و خدمات، نظام آموزشی است.

ماده ۱۲۱ قانون اساسی استالین در ۱۹۳۶ اعلام میدارد: "شهروندان شوروی حق دارند آموزش یابند. این حق برای آنان توسط آموزش عمومی اجباری اولیه تثبیت شده است. آموزش عالی نیز رایگان است و غیره. اما حتی اگر آموزش، رایگان هم باشد، هیچگونه امکانات برابر برای آموزش کودکان ثروتمند و فقیر وجود ندارد، زیرا کودکان فقیر هر چه زودتر باید

بدنبال کار کردن و کسب دستمزد باشند، زیرا خانواده‌های آنان، قادر به نگهداری آنها در تمام طول تحصیل نیستند. در نتیجه تعجبی نیست که نسبت کودکانی که در شوروی از آموزش عالی بهره‌مند میشوند، مرتباً کاهش مییابد. برای نمونه در سال تحصیلی ۴۰ - ۱۹۳۹، تعداد کل دانشجویان و دانش‌آموزان کلیه موسسات آموزشی به ترتیب زیر بود: ۲۲۲۰

تعداد به هزار

مدارس ابتدائی (کلاس‌های اول تا چهارم)	۲۰۴۷۱
مدارس متوسطه اولیه (کلاس‌های پنجم تا هفتم)	۹۷۱۵
مدارس متوسطه کامل (کلاس‌های هفتم تا دهم)	۱۸۷۰
مدارس متوسطه تکنیکی و مدارس کارخانه‌ها	۹۴۵
دانشگاه‌ها و مدارس تکنیکی	۶۲۰

اگر ما تعداد کودکان شوروی را در سنین مختلف میدانستیم، محاسبه اینکه چه نسبتی از کودکان در سنین مختلف به مدرسه میروند، امکان پذیر بود. اما حتی بدون در دست داشتن چنین اطلاعاتی، بر پایه ارقام ذکر شده در بالا، تفاوت بین امکان آموزش، برای کودکان در سنین مختلف کاملاً روشن است. اگر فرض کنیم که همه کودکان بین ۷ تا ۱۱ سال به مدرسه میروند، کمتر از نصف این تعداد بیش از چهار سال قادر به ادامه تحصیل نبودند. تنها از هر ده نفر، یک نفر بیش از ۷ سال به مدرسه میرفت و از هر بیست نفر، کمتر از یک نفر دوره دهم را به پایان میرساند. (برعکس دوره دهم سال تحصیل اجباری در بریتانیای سرمایه داری)

حتی پیش از برقراری پرداخت شهریه برای دانشگاه‌ها، کالج‌های تکنیکی و دیگر مدارس عالی، بسیاری از شاگردانی که موفق میشدند، به دانشگاه‌ها و مدارس عالی تکنیکی راه یابند، پیش از تمام کردن رشته خود. بدلیل فقر مجبور به ترك تحصیل میشدند. بین سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۳۸، تعداد کل کسانی که به منظور آموزش برای صنایع و حمل و نقل به کالج‌های مهندسی راه یافتند ۶۰۹۲۰۰ نفر بود، در حالیکه تنها ۲۴۲۳۰۰ نفر فارغ التحصیل شدند. تعدادی که به کالج‌های تکنیکی راه یافتند ۱۰۶۲۰۰۰ نفر بودند که تنها ۳۶۲۷۰۰ نفر فارغ التحصیل شدند. ۲۲۳

در ۱۹۳۸ ، ۴۲/۳ درصد همه دانش آموزان مدارس عالی از میان کودکان روشنفکران بودند .^{۲۲۴} پس از آن هیچگونه آماری از ترکیب اجتماعی دانش آموزان انتشار نیافت ، اما شکی نیست که درصد دانش آموزانی که از خانواده های "خوب" بودند ، بدلیل تحمیل پرداخت شهریه برای تحصیل از سال ۱۹۴۰ و پس از آن افزایش یافت .

ماده ۱۴۶ قانون اساسی استالین اعلام میدارد که : "قانون اساسی شوروی میتواند اصلاح و تجدید گردد اما این اصلاح تنها باید با تصمیم شورای عالی شوروی که مورد قبول اکثریت باشد انجام شود . یعنی آراء موافق کمتر از $\frac{2}{3}$ آراء رهبران بخش های آن نباشد . " البته این مسئله ، دولت را از تحمیل پرداخت شهریه برای مدارس متوسطه و دانشگاه باز نداشت و جلسه شورای عالی در مورد ماده ۲۱ قانون اساسی که در بالا بان اشاره شد و بنا به آن تحصیلات ، و آموزش مجانی ، اعلام شده بود بدین منظور تشکیل نشد . و این قانون هرگز تغییر نیافت . حکم شورای خلقی کمیسر ها که در دوم اکتبر ۱۹۴۰ انتشار یافت ،^{۲۲۵} پرداخت شهریه بین ۲۰۰ - ۱۵۰ روبل در سال را برای کلاسهای بالاتر مدارس متوسطه (کلاسهای هشتم ، نهم و دهم) و بین ۵۰۰ - ۳۰۰ روبل در سال را برای کالج ها اجباری نمود . اهمیت این ارقام را میتوان با مقایسه آنها با کل میانگین درآمدهای این مدت که ۳۳۵ روبل در ماه بود ، درک کرد . حقوق ماهیانه اکثر کارگران در این هنگام در حدود ۱۵۰ روبل در ماه بود . بدیهی است که تحمیل شهریه سد محکمی است در راه آموزش عالی ، بریژه در میان خانواده هاییکه دارای سه یا چهار فرزند هستند .

و خاسته مسئله در اینجا است که دولت شوروی در کمال جسارت اعلام میدارد که پرداخت شهریه نشانه رشد ، موفقیت و کامیابی مردم است و در مقدمه این حکم گفته میشود که : " با در نظر گرفتن بهبود شرایط مادی زحمتکشان و هزینه سنگین دولت شوروی برای ساختن ، تعمیر و تهیه لوازم ضروری مدارس عالی و متوسطه که روز به روز افزایش می یابد ، شورای خلقی کمیسر ها ، ضرورت پرداخت بخشی از هزینه آموزش در مدارس عالی و متوسطه را توسط خود زحمتکشان شوروی تشخیص داد و بدین سان موجب حل ... " با چنین

منطقی باین نتیجه می‌رسیم که يك کشور موفق و کامیاب، کشوری است که مردم آن حتی برای آموزش ابتدائی نیز باید شهریه پرداخت کنند!

قاعدتا میبایست برای دانش‌آموزان و دانش‌جویان بدیهی باشد که ضرورت پرداخت شهریه به هیچ‌وجه گواه بهبود شرایط و موفقیت رزمیایی آنها نیست. در بین سالهای تحصیلی ۴۱ - ۱۹۴۰ که پرداخت شهریه آغاز شد و سالهای ۴۳ - ۱۹۴۲، در حدود ۲۰ درصد محصلین بدلیل عدم وضع مقررات پرداخت شهریه در مدارس که باعث ترك تحصیل و تغییر در روش تعیین حقوق گردید، ۲۲۶ مدارس عالی را ترك کردند.

در همین روز یعنی دوم اکتبر ۱۹۴۰، حکم دیگری صادر شد تحت عنوان "نیروی ذخیره کار دولت شوروی" که با تصویب این طرح، ۸۰۰ ۰۰۰ تا ۱ ۰۰۰ ۰۰۰ نفر از پسران بین سنین ۱۴ تا ۱۷ سالگی به آموزش های حرفه‌ای اجباری فرا خوانده شدند. تعداد کودکانی که بایست در هر منطقه بمابین منظور فرا خوانده میشدند تعیین گردید و مسئولیت اجرای این حکم به عهد شورای شهر و منطقه واگذار گردید. ۲۲۷ کمیسیون هائلی مرکب از رئیس شورای شهر و منطقه، يك نماینده اتحادیه کارگری و منشی محلی کومسومول تشکیل شد که به هر مدرسه‌ای دستور میداد تا تعدادی از کودکان را با انتخاب معلمین در اختیار آنها قرار دهند. این قوانین تقریباً ویژه شاگردان خانواده‌های فقیر بود. (شدت انضباط برای جوانانی که آموزش حرفه‌ای به آنان تحمیل شده بود بقدری سخت بود که برای ترك بی‌اجازه آموزشگاه و یا هر گونه سرپیچی از انضباط های دیگر، محکوم به يك سال زندان تادیبی میشدند). ۲۲۸ به منظور وسعت بخشیدن بمابین شبکه هیئت عامل دائمی شورای عالی در ۱۹ ژوئن ۱۹۴۲ فرمان داد تا حدود سنسی در مورد "نیروی ذخیره کار" افزایش یابد؛ که در برخی از صنایع این حدست ۱۹ سال بالا رفت. ۲۲۹

نگاهی به دو فرمان صادره در دوم اکتبر ۱۹۴۰، بی اختیار بخشنامه‌ای را که در ۱۸۸۷ توسط دلیانوف Delianov وزیر آموزش الکساندر سموزن تزار روسیه صادر شد بخاطر می‌آورد: "وزیر که خواهان بهبودی شرایط دانش‌آموزان مدارس متوسطه است، تصمیم گرفت تا است که "کودکان کالسکه‌چی ها،

خدمتکاران، آشپزها، رختشوی‌ها، دکانداران کوچک و امثال آنها نباید به فراتر رفتن از حدود و محیطی که به آن تعلق دارند تشویق شوند.^{۱۰}

سرانجام، از آنچه که گفته شد بدیهی است که اختلاف دستمزد ها پیش از برنامه پنج‌ساله اقتصادی و پس از معرفی آن ضرورتاً از حد کمی خارج شده و بصورت يك تفاوت کیفی درمی‌آید. اگر يك متخصص، یا مدیر کارخانه بین ۴ تا ۸ برابر بیش از کارگر ساده حقوق بگیرد، ضرورتاً معنای آن این نیست که روابط استثماری بین آنها وجود دارد. يك کارگر ماهر، متخصص یا مدیر، ارزش بیشتری از يك کارگر ساده در هر ساعت کاری تولید میکند.^{۱۱}

حتی اگر متخصص بیش از تفاوت در ارزش‌هایی که تولید میکند دریافت کند، باز هم دلیل این نیست که او کارگر ساده را استثمار میکند. این مسئله را می‌توان بخوبی حل کرد. فرض کنیم در يك دولت کارگری يك کارگر ساده، احتیاجات خود را ظرف ۶ ساعت در روز تولید میکند، در حالیکه ۸ ساعت کار میکند. این دو ساعت کار بیشتر وقف تولید خدمات اجتماعی میشود تا مقدار وسائل تولید در دست جامعه و غیره افزایش یابد. از آنجا که این دو ساعت کار، برای کس دیگری نیست و برای خورد اوست، در نتیجه نمی‌توان آنرا کار افزونه نامید. برای احتراز از بکار بردن يك اصطلاح جدید و بهمنظور تشخیص آن دو ساعت از شش ساعت نخست، بگذارید این دو ساعت را "کار افزونه" و آن شش ساعت را "کار لازم" بنامیم. و برای ساده کردن مسئله می‌گوییم، يك ساعت کار کارگر ساده، ارزشی معادل يك شلینگ (انگلیسی) تولید میکند. در نتیجه کارگر ساده در روز ۸ شلینگ تولید میکند و ۶ شلینگ دریافت می‌دارد. باز هم فرض میکنیم که متخصص در يك ساعت کار، ۵ واحد ارزش، یا ۵ شلینگ تولید میکند. اگر متخصص مبلغی معادل ۳۰ شلینگ یعنی ۵ برابر بیش از يك کارگر ساده در يك ساعت کار مزد دریافت کند، باز هم هیچگونه رابطه استثماری بین آنان وجود ندارد. حتی اگر او ۶ برابر هم بیشتر دریافت کند و در عین حال تنها ۵ برابر بیشتر تولید کند، هنوز هم روابط استثماری در بین آنان وجود ندارد. زیرا متخصص ۳۶ شلینگ در روز حقوق می‌گیرد، در حالیکه ۴۰ شلینگ تولید میکند. اما اگر متخصص ۱۰۰ یا ۲۰۰ شلینگ بگیرد، دیگر این وضع تغییر میکند. زیرا در این صورت

بخش بزرگی از درآمد او ضرورتاً از کار دیگران بدست میآید .
 آماری که در دسترس ما است نشان میدهد که اگر چه دیوان سالاری در دوران پیش از برنامه پنجساله اقتصادی از موفقیت‌های ممتازی برخوردار بود ، اما در اکثر موارد با هیچ محاسبه‌ای نمی‌توان گفت که از کار دیگران ارزش افزونه دریافت میکرد . اما از زمان آغاز معرفی برنامه پنجساله اقتصادی بویژه میتوان بدینی شد که حقوق دیوانسالاری به‌میزان زیاد از ارزش افزونه تشکیل میگردد .

مدیریت غلط دیوانسالاری

در نظام سرمایه‌داری که بر پایه مالکیت خصوصی وسائل تولید است ، سرمایه دار از حرکت خود بخودی بازار بعنوان قطب نمای مالی خود استفاده میکند که کورکورانه قیمت عوامل ضروری تولید و خود کالا را تعیین مینماید . او مجبور به استفاده از یک روش حسابداری دقیق است و در صورتیکه در محاسبات اشتباه کند مجازات او زیان مالی است و در صورت اشتباهات بزرگ، محکوم به ورشکستگی میباشد . در یک اقتصاد دولتی شده ، یعنی آنجا که تعیین قیمت‌ها اکثراً از طریق اداری انجام میشود و حقوق مدیر کارخانه هیچگونه ارتباط مستقیم با شرایط واقعی اقتصادی کارخانه او ندارد ، اهمیت محاسبات دقیق ضرورت حیاتی پیدا میکند ، همان‌طور که مدیر کارخانه در صورت لزوم میتواند عیوب کارخانه را برای مدت زیادی پنهان کند ، او تنها تحت کنترل قوانین بازار نیست و بدون حسابرسی دقیق هر گونه ناهماهنگی در یک کارخانه را میتوان بحساب کارخانه‌های دیگر نیز منظور کرد و بدینسان به ناهماهنگی‌ها همچنان افزود و میگردد . کرملین میتواند یک مدیر ناموفق را مجازات کند اما عدم موفقیت آنها پس از وارد آمدن خسارت بروز میکند . همچنین ، ماهیت اداری و بسیار خشن و شدید مجازات قابل اجرا (تنزل رتبه ، زندان و غیره) صرفاً پنهان کاری مدیران را تسریع و تشویق میکند و انگیزه‌های شدیدی را در مدیران بوجود میآورد که با همکاری مقامات دیگر اداری دست به توطئه بزنند ، بعلاوه ، همین کیفیت رخصتناك مجازات هم